

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ • ۱۴ شعبان ۱۴۴۷ • ۳ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۳۲۱ • صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۳ • اذان صبح فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

انحلال روشنفکری

در دفاع از تنوع صداها و استقلال فردی



علی اصغر سیدآبادی

حکم‌های قطعی دوگانه‌ساز همچون سلاحی کارآمد برای حذف صداهای مستقل استفاده می‌کند.

در چنین وضعیتی، شجاعانه‌ترین کار پاسداری از تکثر و تنوع است و ایستادگی در برابر تک‌صدایی؛ حتی اگر همه در موج بزرگ افتاده باشند و خود را حقیقت مطلق ببینارند. هیچ بهانه‌ای، هیچ وضعیتی فوق‌العاده‌ای، هیچ موقعیتی خطیری و هیچ «برهه حساسی» نمی‌تواند خاموش‌کردن صداهای گوناگون را توجیه کند. جامعه‌ای که در آن فقط یک صدا مجاز است، نه‌تنها به انسداد سیاسی گرفتار خواهد شد بلکه به فقر فکری و اخلاقی نیز دچار خواهد شد.

ما یک بار آزموده‌ایم در این ورطه بخت خویش را؛ هر‌نگ‌شدن با جماعت و پیامدهایش را دیده‌ایم.

آکادمی

جامعه پزشکی نگران است



بابک زمانی

نورلوژیست

موج می‌زد که به شکل «تکنه‌هراسی اجتماعی» درآمده بود. جامعه پزشکی از ایفای وظایف اجتماعی‌اش که بسیار فراتر از به انتظار بیمار نشستن است، بازماند. پزشکان در چنین بحرانی وظیفه داشتند در قالب تیم‌های داوطلب در کف خیابان به یاری خیل مصدومان بپردازند. پزشکان در کنار حداقل چند هزار کشته –که عدد بسیار بالایی را شامل می‌شوند– قرار گرفتند. مصدومانی از هر طرف و با هر عقیده سیاسی که قطعاً یافتن و انتقال هرچه سریع‌تر ایشان باعث درمان‌هایی مؤثرتر شده و از آمار مرگ‌ومیر می‌کاست.

در زمان جنگ عراق با ایران، ما در قالب شبکه‌ای منسجم و داوطلب تا خط مقدم جبهه حضور دائمی داشتیم، بیمارستان‌ها و اتاق عمل‌های صحرایی درست کردیم و تحت هدایت استادان بزرگی مانند دکتر «ایرج فاضل» از به‌روزترین روش‌های درمان مجروحان سود می‌بردیم. گاه احساس می‌کردیم تنها حضورمان بدون آنکه کار چندانی از دست‌مان برآید، روحیه رزمندگان

۴.۵ میلیون تومان

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان تهران، با اشاره به مبلغ عیدی بازنشستگان گفت: «مبلغ پایه عیدی بازنشستگان چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار تومان است که در صورت دارا بودن همسر، یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و به ازای هر فرزند تحت پوشش نیز ۵۰۰ هزار تومان به این مبلغ اضافه می‌شود».

پیش از این نیز مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، اعلام کرده بود عیدی بازنشستگان از محل سود سهام سازمان در شستا مربوط به این دوره مالی تأمین و تلاش می‌شود که در نیمه دوم بهمن پرداخت شود. این رقم براساس مبلغی است که دولت مصوب کرده است.

این رقم اندک اختصاص یافته به بازنشستگان برای عیدی به نظر می‌رسد در این شرایط پرشش‌های متعددی را مطرح کرده است. هرچند در برخی خبرها اعلام شده که مبلغ پایه عیدی سال ۱۴۰۵ در مقایسه با سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است.

جامعه پزشکی ایران به‌عنوان یک تن واحد در جریان وقایع اجتماعی اخیر به‌شدت احساس نگرانی می‌کند. اضطراب و هراسی که به دلایل مختلف در رگ جامعه جریان دارد، در جامعه پزشکی ابعادی وسیع‌تر می‌یابد. این گسترش به این دلیل واضح و آشکار است که جامعه پزشکی خود را مسئول حفاظت مردم، مجروحان و آسیب‌دیدگان می‌داند و به حفاظت از خود و همکارانش هم از این زاویه می‌نگرد. یک پزشک برای همه اینها سوگند خورده و سال‌هاست که با وجود نامایمات فراوان به این کار مشغول است. هرگز نمی‌توان رعایت‌نشدن حریم مراکز درمانی، برخورد با جامعه پزشکی و نبود احساس امنیت بیماران و مصدومان در مراجعه به مراکز درمانی را به‌طور مطلق انکار کرد، اما دلایل اضطراب و هراس جامعه پزشکی و پزشکان بسیار فراتر از اینهاست. این روند به صورت رفتاری شرطی و اجتنابی درآمده است و تکنایی و انفسا در بین دو نگاه یک‌سویه و افراطی پدید آمده که بر «دکورت اوضاع» و «پانیک عمومی» می‌افزاید. از یک سو «صداوسیما» و از یک سو «ایران‌اینترنشنال». درحالی‌که حداقل ارتباط ساده بین اقراء تا همین اواخر به‌شدت محدود بود و کسی نمی‌توانست از طریق فضای مجازی با دوستان و همکاران خود هم ارتباط داشته باشد و از آنچه در مراکز ایشان می‌گذرد، خبر بگیرد، تنها با فشار یک دکمه کانال‌های متعدد بی‌روح و یکنواخت رسانه ملی و کانال‌های ماهواره‌ای خارج از کشور به‌راحتی در دسترس بودند. با محتوا و صحبت‌هایی ۱۸۰ درجه متفاوت اما با روشی یکسان روح را می‌ساییدند. نهایتاً در انبوهی از اخبار گوناگون نوعی بی‌خبری

۴ میلیون تومان

دفتر سخنگوی دولت با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «تاکنون هیچ‌گونه تصمیم یا مصوبه‌ای درباره واریز کالابرگ چهار میلیون تومانی ویژه ماه مبارک رمضان اتخاذ نشده و اخبار منتشرشده در این زمینه فاقد اعتبار است».

در این اطلاعیه تأکید شده است اطلاع‌رسانی درباره سیاست‌های حمایتی و معیشتی دولت صرفاً از طریق مراجع رسمی و رسانه‌های معتبر انجام می‌شود و شهروندان باید از توجه به شایعات و اخبار غیررسمی در فضای مجازی پرهیز کنند.

این تذکیبیه برای این صادر شد که صبح دیروز در رسانه‌ها خبر آمده بود که با توجه به در پیش بودن ماه مبارک رمضان، دولت در نظر دارد مبلغ چهار میلیون تومان اعتبار کالابری برای همه دهک‌های درآمدی شارژ کند؛ اقدامی که می‌تواند در تأمین اقلام ضروری و مایحتاج مورد نیاز خانوارها و حفظ قدرت خرید آنها در ماه رمضان اثرگذار باشد.

سریع‌خوانی

مرض خبرخوانی

آیدین سیار سریع

مرض خبرخوانی هم از آن مرض‌هایی است که در مواقع بحران به جان آدم می‌افتد. درست مثل مواقع غیربحرانی که در اینستاگرام وارد بخش ریلز می‌شویم و به خودمان که می‌آیم، می‌بینیم سه ساعت داشتیم رنج اسکرول بر انگشت شست هموار می‌کردیم و در نهایت هم جز سه، چهار کیلو دوپامین ترشح‌شده و درد مفاصل انگشت چیزی عایدمان نشده است. راه دور نرویم. همین خود بنده چند شب پیش افتاده بودم روی خبرهای ایستین و به چنان تسلطی روی آن سه میلیون صفحه رسیده بودم که می‌توانستم دقیق به شما بگویم کی، چه ساعتی و چه روزی وارد جزیره شده و چه ساعتی خارج شده؛ یعنی چنان احاطه پیدا کرده بودم به موضوع که کم ماند به بود زنگ بزم FBI که آقا حواس‌تان به فلان موضوع هم باشد، یک وقت فلان «پ…ز» قسر درنرود. این وضعیت مبهم جنگی هم به این مرض ما دامن زده. از آن موقعی که هیچ‌کس از تصمیمات نظامی آمریکا خبر نداشت و ناو آبراهام لینکلن خودش هم دوبه‌شک بود که در مبدأ بنزین بزنم یا بین راه سوخت بگیرم، ما در ۲۰ کانال خبری عضو شده بودیم؛ خبرهای فوری/ خبرهای فوری مهم/ خبرهای جنگی خیلی خیلی مهم/ نظامی‌نیوز/ Fox/CBC/NBC/MDF/وال‌استریت ژورنال/ واشنگتن پست/ نیویورک تایمز/ اکسیوس/ الجزیره/ گروه واتساپ خانوادگی فرمانده ستکام (که اکسپت نکردن متأسفانه)… همه جا را دقیق بررسی می‌کنیم تا در حالی که عالی‌ترین مقامات کشورها هم خودشان دقیق نمی‌دانند جنگ می‌شود یا نمی‌شود، ما بفهمیم که در روزهای آینده چه اتفاقی می‌افتد. در همین زمینه ما یک ریفیقی داریم که آن‌قدر غرق در این اخبار شده که الان دقیقاً مطلع است که چند تا F35 و F18 آمده، چه رادارهایی در ناو موجودند، از روی فلایت رادار هم ۴۴ ساعته تعقیب می‌کند اینها را. بعد که بهش می‌گوییم خب، آفرین، حالا اینها به چه دردت می‌خورد؟ اصولاً جز اینکه یک تپ‌ماهی به کوله‌زندگی‌ات اضافه‌کنی، چه کاری از دستت برمی‌آید؟ با نگاهی عاقل‌اندر سقیه می‌گوید «شما پرتید از ماجرا، آدم باید همیشه آماده باشد». البته در اینکه آدم به صورت کلی باید در جریان باشد، شکی نیست ولی ریزشدرن در جزئیات هم (وقتی هم که شغلت تحلیل نیست) جز استرس و سردرگمی و بی‌خوابی، نتیجه‌ای ندارد. باید شک کرد به هر خبر، رسانه همیشه هم کارکردش پارتاپ واقعیت نیست؛ در اصالت هر احساسی اعم از ناامیدی، ترس، امیدواری، اضطراب و… که از رسانه به دست می‌آورد، شک کنید. درک درستی از میزان اثرگذاری خود به دست آورید و انتظارات از خودتان و اطرافتان را بالانس کنید. سلامت روح و روان خودمان و به‌ویژه بچه‌ها را در اولویت بگذارید. به توصیه‌های من عمل کنید تا من هم بروم باقی اسناد ایستین را بخوانم و از آخرین تحولات منطقه باخبر شوم (رطب‌خورده منع رطب کی کند؟)!

خبرخوانی

دادستانی علیه مجری و مدیر شبکه اعلام جرم کرد
واکنش‌ها به توهین مجری و عوامل برنامه خطخطی و این نحوه برخورد با کشته‌شدگان اعتراضات ادامه دارد. عجیب‌تر اینکه «محمدحسین محبی»، مجری برنامه خطخطی، با لحنی طلبکار یک ویدئو منتشر کرد که معتقد بود این قسمت فقط جوابی به اپوزیسیون خارج از کشور است و آنها با تقطیع و تکه‌برداری بخش‌کردن و با سوگیری‌های دلبخواه خودشان سعی کردند احساسات مردم ایران را جریحه‌دار کنند. او در این ویدئو گفت که در واقع این اتفاق واکنش خارج از کشوری‌ها به این برنامه است. درحالی‌که می‌توانست عمیقاً اظهار تأسف و از خانواده‌های داغدار عذرخواهی کند. دادستانی تهران در پی بخش برنامه‌ای توهین‌آمیز از شبکه افق علیه مدیر وقت این شبکه، عوامل و مجری برنامه اعلام جرم کرد. به نقل از قوه قضائیه، در پی بخش برنامه‌ای توهین‌آمیز از شبکه افق، دادستانی تهران علیه مدیر وقت شبکه افق، عوامل و مجری برنامه اعلام جرم کرد و در این خصوص پرونده قضائی تشکیل شده و متهمان احضار شدند و مورد تعقیب قضائی قرار گرفتند. همچنین تحقیق و کنکاش در باب اغراض احتمالی که ممکن است پشت پرده تولید و پخش این برنامه توهین‌آمیز باشد، در دستور کار مقام قضائی ذی‌ربط قرار دارد.

تحلیل‌خوانی

هلهله و پایکوبی در سوگواری‌ها نشانه چیست؟

این روزها شاهدیم که گروه‌هایی از خانواده جان‌باختگان اعتراضات، از سبک و سیاق دیگری برای ابراز سوگشان استفاده می‌کنند، مانند هلهله‌کردن، دست‌افشانی و پایکوبی و اجرای رقص‌های محلی. خبرگزاری ایلنا با «احسان هوشمند»، پژوهشگر حوزه اقوام، در این‌باره گفت‌وگو کرده است که در ادامه به بخش‌هایی از آن می‌پردازیم. او می‌گوید: «سبکی از سوگواری در تاریخ ایران وجود دارد که در شرایط کشته‌شدن جوانان در جنگ ولو جنگ‌های طایفه‌ای با سوانح طبیعی و تصادف استفاده می‌شود. این سیاق از آیین سوگواری، شکلی حماسی دارد که طی آن برای تأکید بر هویت جمعی مشترک، پیوندهای جمعی و همچنین برای یادآوری این موضوع که همه مردم در کنار هم و در شرایطی خاص هستند، از ساز و برگی خاص استفاده می‌شود. اما در شرایط حاضر در حقیقت این شیوه از ابراز سوگ بیشتر رنگ‌وبویی سیاسی و اعتراضی داشته و نشان‌دهنده تفاوت و جداشدن از روش‌های رسمی و جاری است. در حال حاضر هم با توجه به اینکه درگیر یک فاجعه ملی و جان‌باختن هزاران نفر از جوانان هستیم، چنین زمان‌هایی یادآوری می‌شود». او یادآوری می‌کند که به شکل سنتی در میان عشایر یا برخی از مناطق کشور، یک شیوه از برگزاری مراسم سوگواری به از دست‌دادن عزیزان طی یک ریاورنی اشاره می‌کند: «این آیین به‌ویژه دربراره جان‌باختگانی برگزار می‌شود که جوان و در اصطلاح عامیانه ناکام از جهان رفته‌اند، یعنی ازدواج نکرده‌اند. وقتی جان‌باخته در چنین شرایطی از دنیا می‌رود، خانواده داغ‌دیده نیاز بیشتری به همدلی و همبستگی جمعی می‌یابد و مثلاً صدای دهل و سرنا موجب آگاهی و اطلاع‌رسانی و همراهی دیگران در یک سوگ جمعی می‌شود، به همین دلیل هم خانواده به اجرای آیین‌هایی مانند دهل‌زنی و شبیه آن روی می‌آورد. این مناسک بیشتر در جوامع عشایری و شهرهای کوچکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که همچنان سنت‌های عشایری در آنها قوی است، بسیاری از عشایر لر، کرد، لک و بختیاری همچنان تا حدودی برای سوگواری از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند». این جامعه‌شناس درباره کشیده‌شدن این نوع سوگواری به فضای شهری در بزنگاه‌های اعتراضی و پیام این رفتار نیز می‌گوید: «از اعتراضات ۱۳۹۸ به بعد اجرای این نوع آیین سوگواری در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ دارای این پیام خاص است که خانواده جان‌باخته، عزیز از دست‌رفته و خودشان را قربانی می‌دانند. در این نگاه اجرای مناسک عزاداری سنتی و مؤلفه‌های خاص آن مانند مکان برگزاری مراسم و نحوه سوگواری بیشتر به فضای رسمی همخوانی دارد تا شرایط خانواده سوگوار، به همین دلیل هم خانواده‌ها سعی می‌کند با اجرای شیوه‌ای دیگر یا بهره‌گیری از برخی سنت‌های تاریخی و البته نوآوری‌هایی در اجرای مناسک، خود را از جو رسمی و روایت رسمی متمایز کند. این پژوهشگر حوزه اقوام اضافه می‌کند: «این شیوه از برگزاری آیین سوگواری توسط خانواده جان‌باختگان را می‌توان تا حدودی به معنای استفاده از سنت‌های حماسی، رزم‌نامه‌ها و داستان‌های شاهنامه به منظور بدرفه جان‌باخته به شیوه‌ای حماسی دانست، هرچند در شاهنامه در بخش سوگواری‌های بیژن یا اسفندیار و دیگران به لباس کیود و مشکی پوشیدن و به خاک بر سر کردن و مویه‌کردن و کندن موی و بریدن موی سر زنان اشاره شده است». هوشمند به سوگواری اعتراضی نوین هم اشاره می‌کند: «در سوگ از دست‌رفتن چند هزار نفر از هم‌وطنان در جای‌جای ایران در حوادث دی‌ماه، سبک‌های جدیدی از عزاداری در حال شکل‌گیری و رواج است که جان‌مایه آن خشم است. یعنی در عزاداری مربوط به وقایع هولناک اخیر، شیوه‌هایی از عزاداری را شاهدیم که سابقه تاریخی چندانی ندارند که می‌توان از آن به‌عنوان سوگواری اعتراضی نوین یاد کرد که در واقع ادامه اعتراضات است». این جامعه‌شناس رفتارهایی مانند دست‌زدن، سما و پایکوبی در سوگواری‌های نوین را انعکاسی از ناراضیاتی و اعتراضی می‌داند که در خیابان‌ها هم شاهد آن بودیم: پایکوبی در آیین سوگواری جان‌باختگان برای به نمایش گذاشتن دردیت و شادی نیست، بلکه نشان‌دهنده همبستگی جمعی، جان‌فدایی وطن و البته استمرار زندگی است. او با اشاره به اینکه هم‌آوایی جمعی برای خواندن سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» در سوگواری‌های مناطق شهری هم رو به افزایش است، توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد این سرود به شکلی گسترده در حال تبدیل‌شدن به هویت جریان معترض است».